

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همگام با حدیث شریف

لقب ولی الامر

مسلم در صحیح خود چنین روایت نموده است:

عَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: "خِيَارُ أُمَّتِكُمُ الَّذِينَ تُحِبُّونَهُمْ وَيُحِبُّونَكُمْ وَيُصَلُّونَ عَلَيْكُمْ وَتُصَلُّونَ عَلَيْهِمْ وَشِرَارُ أُمَّتِكُمُ الَّذِينَ تُبْغِضُونَهُمْ وَيُبْغِضُونَكُمْ وَتَلْعَنُونَهُمْ وَيَلْعَنُونَكُمْ قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَفَلَا نُنَادِيهِمْ بِالسَّيْفِ فَقَالَ: لَا مَا أَقَامُوا فِيكُمْ الصَّلَاةَ وَإِذَا رَأَيْتُمْ مِنْكُمْ شَيْئًا تَكْرَهُوهُ فَانْكُرُوهُ عَمَلُهُ وَلَا تَنْزِعُوا يَدًا مِنْ طَاعَةٍ".

**ترجمه:** از عوف ابن مالک از رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت است که فرمودند: بهترین امامان (حاکمان) شما، کسانی هستند که شما آنان را دوست دارید و آنان شما را دوست دارند و شما برای آنان، دعای خیر می‌کنید و آنان نیز برای شما دعای خیر میکنند و بدترین امامان شما کسانی هستند که شما با آنان، کین و دشمنی می‌ورزید و آنان نیز نسبت به شما دشمنی می‌ورزند، شما آنان را نفرین می‌کنید و آنان نیز شما را نفرین می‌کنند، صحابه عرض کردند: ای رسول الله صلی الله علیه و سلم! آیا در مقابل آنان شمشیر نکشیم؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمود: نه خیر؛ تا زمانی که نماز را در میان شما بر پا می‌دارند و هرگاه از حاکمان خود امر را مشاهده نمودید که شما آنرا ناپسند می‌بینید، کارش را ناپسند بدانید اما دست از اطاعت او برندارید.

در شرح نووی بر مسلم آمده است:

این سخن رسول الله صلی الله علیه و سلم که گفته است: (خِيَارُ أُمَّتِكُمُ الَّذِينَ تُحِبُّونَهُمْ وَيُحِبُّونَكُمْ وَيُصَلُّونَ عَلَيْكُمْ وَتُصَلُّونَ عَلَيْهِمْ)، يُصَلُّونَ به معنی یدعون می‌آید یعنی دعا می‌کنند.

رسول الله صلی الله علیه و سلم در این حدیث، حاکم در دولت خلافت را به عنوان امام نامیده است.

چنانکه روایات صحیحی از رسول الله صلی الله علیه و سلم وجود دارد که ایشان حاکم را به لقب خلیفه نیز نامیده‌اند، در احادیثی از جمله آنچه مسلم در صحیح خود از ابوسعید خدری روایت کرده است که گفت: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند:

إِذَا بُوِيعَ لِخَلِيفَتَيْنِ فَأَقْتُلُوا الْآخَرَ مِنْهُمَا

**ترجمه:** هرگاه همزمان با دو خلیفه بیعت شد، دومی را بکشید.

چنانچه صحابه بر جواز نام‌گذاری او به عنوان امیرالمؤمنین اجماع کردند. حاکم در مستدرک از ابن شهاب زهری روایت کرده است که عمر بن عبدالعزیز از ابوبکر بن سلیمان بن ابی حنمه پرسید: ... که قبلاً در عصر ابوبکر رضی الله عنه نوشته می‌شد: از جانب خلیفه رسول الله صلی الله علیه و سلم، سپس در ابتدای عصر سیدنا عمر نیز نوشته می‌شد از خلیفه ابوبکر، پس چی کسی برای اولین بار نوشت: از جانب امیرالمؤمنین؟ وی گفت: شفاء که از جمله اولین مهاجران است برایم روایت کرده که عمر رضی الله عنه برای عامل عهد خود در عراق نوشت که دو شخص توانا را نزد بفرستید تا اوضاع و احوال عراق و اهل آن از ایشان بپرسم، عامل(مسئول پایین تر از والی) عراق دو شخص به نام بن ربیع و عدی بن حاتم را فرستاد، چون به مدینه آمدند، شتران خویش را در صحن مسجد گذاشتند و خود وارد مسجد شدند و با عمرو بن عاص روبرو گردیدند و گفتند: ای عمرو! برای ورود نزد امیرالمؤمنین به ما اجازه بگیر، عمرو گفت: سوگند به الله سبحانه و تعالی که شما نام درست و دقیق وی را گفتید، او امیر است و ما مؤمنان، پس عمرو از جا پرید و بر امیرالمؤمنین عمر وارد شد و گفت: السلام علیک یا امیرالمؤمنین، عمر گفت: این نام را از کجا پنداشتی یا ابن العاص، گفت: لبید بن ربیع و عدی بن حاتم آمدند و اسباب سفرشان را در صحن مسجد نهادند. سپس بر من وارد شدند و گفتند: ای عمرو برای ما از امیرالمؤمنین اجازه بگیر، سوگند به الله سبحانه و تعالی که در مورد اسم تو به حق رسیدند؛ ما مؤمنان هستیم و تو امیر ما. سپس از همان روز چنین نوشته شد، شفاء مادر بزرگ ابوبکر بن سلیمان بود. بعد از آن این اسم بر خلفای پس از او در زمان صحابه و بعد از آنان نیز اطلاق شد.

بر اساس این روایت، عمر را در مقابل چشم و گوش صحابه به نام امیرالمؤمنین می‌نامیدند، بدون اینکه یکی از آنان انکار کرده باشد، پس بر این اجماع است.

از مطالبی که گذشت چنین برداشت می‌شود که اگر حاکم مسلمانان را به لقب خلیفه یا امام و یا امیرالمؤمنین مسمی کنیم درست است، زیرا هر لقبی دلیل شرعی دارد که بر صحت آن دلالت می‌کند. اما لقب خلیفه برای من محبوب‌ترین و نزدیک‌ترین لقب به خودم است زیرا ما را به یاد گذشته باستانی ما می‌اندازد و با آن احساس فخر، عزت و حیثیت می‌کنیم و ما را تشویق می‌کند تا دوباره آن را بازگردانیم، لقبی است که همواره رعب و وحشت را در دل دشمنان الله سبحانه و تعالی ایجاد می‌نماید و خواب را از چشمانشان می‌رباید و یادآور روزهای شکست‌شان در برابر خلفای اولیة مسلمانان در دوران پر رونق خلافت است، پس وقتی الله سبحانه و تعالی به ما اجازه می‌دهد که خلافت خود را بازگردانیم. به زودی ولی امر خود را به نام خلیفه صدا خواهیم کرد تا کافران با بذل و تلاش‌های که برای محو و نابودی این لقب در هستی انجام دادند با خشم و غیظ‌شان بمیرند و اعمال‌شان مانند سرابی در بیابان بی‌آب و علف گردد و هرگاه خلافت دوباره قیام کند، پس حیثیت و قدرت او باز می‌گردد که برای کافران و بی‌ایمانان رعب و ترس ایجاد خواهد نمود.

ای بار الها! چنین روز زیبایی را زودتر به ما عنایت کن ای اکرم الاکرمین.

**مترجم: احمدصادق امین**